

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - نهم
آذرماه ۱۳۴۰

اگرچه از معنا

دوره - سی ام
شماره - ۹

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : مرحوم وحید دستگردی)
(صاحب امتیاز و نگارنده : وحیدزاده - نسیم دستگردی)

دستبرد به دواوین شعرای عهد صفوی

در یکی از جلسات باشکوه اخیر انجمن ادبی حکیم نظامی یکی از فضلاء پس از آنکه مقدمه از مقالات مکرر گذشته ارمغان در نکوهش مهملاتی بنام (شعر نو) و بیخردانی بنام (نوپرداز) که چون حوادث روز پس از گذشت چند صباحی موضوع آن بطاق نسیان سپرده شد اظهار قدردانی و تحسین نمود از سرقات شعری و سخن دزدی که متأسفانه در سالهای اخیر بحد شیاع رسیده بیاناتی ایراد کرد و سخن را بدانجا کشانید که « اگر تمام آثار گویندگان عصر صفوی از زشت و زیبا بطبع رسد عده‌ای متشاعر سخن دزد ناگزیر دست از روش ناجوانمردانه و ناپسند خویش برداشته بدنبال کار خود خواهند رفت . »

او در ضمن مدارکی که در این باره تهیه و تنظیم ساخته بود چنین اظهار داشت « دزدان سخن معاصر را که هر روز هم بر تعدادشان افزوده میگردد باید بدو دسته

تقسیم نمود. دسته اول کسانی هستند که لفظ و معنی را یکجا بسرقت میبرند و دسته دوم افرادی میباشند که بر بودن معنی قناعت کرده مضامین دیگران مخصوصاً شعرای عهد صفوی را که غالباً مجموعه آثارشان بطبع نرسیده در قالب الفاظ و کلماتی نارسا و ناموزون ریخته سپس بوسیله مطبوعات و رادیو تحویل خوانندگان و شنوندگان بی اطلاع میدهند تا بخیال خود شاعر شناخته شوند.

دستبرد با آثار نظم و نثر گذشتگان و طبع و نشر آنها در مطبوعات و یا خواندن در رادیو و تلویزیون امروز شغل و پیشه عده معینی قرار گرفته و این یغماگری تا آنجا رواج یافته که حتی اشعار معروف استادان طراز اول سخن را که بصورت مثل سایر درآمده با مقدم و مؤخر ساختن ابیات و تغییر و تبدیل کلمات آنرا مسخ نموده بدون پروا بنام خود انتشار میدهند.

حتی عده‌ای از این بیخردان پارا فراتر نهاده با کمال بی انصافی کوشا هستند محصول سرفت کرده و یا ترکیبات مهوع و نادرستی را که خود بوجود آورده و نام غزل یا ترانه بر آن نهاده‌اند در مطبوعات با عناوین استاد، دانشمند و غیره بطبع رسد و در رادیو در ردیف بزرگان ادب چون سعدی، نظامی، مولوی، خیام، حافظ و غیرهم خوانده شود و متصدیان رادیو و مطبوعات هم بدون توجه باین نکات یا از راه عدم اطلاع و یا برای بجا آوردن شرط دوستی مطابق امیال آنان رفتار مینمایند و موجبات خفت و سرشکستگی عالم شعر و ادب فراهم میسازند.

آثار بزرگان شعر و ادب بطور اعم و شعرای عهد صفوی بطور اخص در این ایام مورد دستبرد و غارت یغماگران قرار گرفته و روزگار فضل و هنر تا آن حد انحطاط یافته که دسته معینی باتهمیه یکی دونه‌سخه خطی از دواوین این طبقه شعراء که بسبب سبک خاص خود (سبک مشهور به هندی) از ابتداء چندان مورد توجه و اقبال اهل ذوق و ادب ایران نبوده و بهمین علت هم غالب آنها بطبع نرسیده بغارت و چپاول اشعارشان پردازند.

اینک برای توضیح بیشتر وضع ادبی ایران در این عهد بذکر سخنی چند بطور اختصار میپردازیم .

شعر در عهد صفوی - با آنکه عهد صفوی از لحاظ سیاسی و اقتصادی و هنری از بهترین ادوار اسلامی ایران بشمار میرود از جهات ادبی یکی از اعصار انحطاط ادبیات فارسی محسوب میگردد .

سلطین صفویه عموماً بجهاتی چندان توجهی بشعراء و ادباء نداشتند و همین عدم توجه موجب گردید که سخنوران و اهل ذوق و قریحه بدر بارهای تیموری هند و عثمانی روی آرند .

رواج سبک مشهور به (هندی) که از اواخر عهد تیموری آغاز گردید در عهد صفوی باوج ترقی رسید و این سبک تا پایان دوران صفوی در ایران و هند و عثمانی رواجی بسزا داشت .

پادشاهان صفویه بیشتر کوشش خود را در طریق مسائل دینی و انتشار تشیع که خود از حامیان جدی آن بودند مصروف میداشتند و کمتر باشعراء عرفانی و مطالب فلسفی بذل توجه مینمودند . تنها شعرائی که در نعت انبیاء و ائمه معصومین شعری میسرودند ممکن بود مورد نوازش آنان قرار گیرند .

سبک معروف به هندی در ادب فارسی که مبتنی بر ایراد افکار و مضامین باریک دور از ذهن و تصورات و خیالات بسیار دقیق توأم با اثر کمیات و کلماتی عاری از متانت و جزالت و احیاناً صحت استعمال از لحاظ اصول زبان بود در این عصر آخرین قوس صعودی خود را پیمود .

معروفترین گویندگان این سبک که در ایران و یا هندوستان میزیستند با سرودن هزارها بیت شعر دیوان ها پرداختند و در انواع سخن بیشتر بغزل سرائی اقبال نمودند .

ظهور سبک هندی در شعر فارسی از ابتداء مورد قبول صاحبان ذوق و هنر و نقادان سخن نبود چنانچه در پایان این عهد نهضتی در نظم و نثر بوجود آمد که آنرا بازگشت باصول کهن و تتمع در آثار اساتید سخن و رها ساختن شیوه هندی باید نام نهاد .

در میان شاعران عهد صفوی گویندگانی را میشناسیم که دیوانهایشان از دهها هزار بیت تجاوز میکنند ولی در میان آنهمه اشعار شاید صدبیت نتوان یافت که در ردیف اشعار متوسط باشد .

حال دزدان سخن بدواوین متروک مانده این گویندگان حمله ور گردیده و به گمان خود که کسی از آن آگاهی ندارد آثار آنان را با تغییراتی مستهجن و حذف تخلص شاعر بنام خود در رادیو و مطبوعات تحویل دیگران میدهند .

اینک بحکم وظیفه ای که ارمغان برعهده دارد و با مدارک قاطعی که در این زمینه تهیه گردیده در آینده اینگونه دزدان سخن و گویندگان حقیقی آنرا پدانشمندان و دوستداران شعر و ادب معرفی خواهیم نمود .

وحیدزاده - نسیم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کاش گشوده نبود چشم من و گوش من

کافت جان من است عقل من و هوش من

(مولوی)